

اشکال استیضاح

کریس هِجِز



ترجمه‌ی یوسف نوری‌زاده



استیضاح دونالد ترامپ برای پایان بخشیدن به روند عمیق فروپاشی‌ای که به جان جمهوری آمریکا افتاده هیچ کاری نخواهد کرد. نه نهادهای دموکراتیک را به طرز معجزه‌آسایی زنده کرده، و نه ما را به وضعیت حاکمیت قانون باز خواهد گرداند. اشتباهی غارتگرانه‌ی بانک‌های بزرگ، صنعت جنگی و شرکت‌های غول‌پیکر را مهار نخواهد کرد. نه پول شرکت‌ها را از سیاست کنار گذاشته، نه به نظام رشوه‌خواری قانونی ما خط بطلان خواهد کشید. نظارت گسترده و بازرسی عموم مردم توسط سرویس‌های امنیتی را جمع‌آوری نخواهد کرد. حاکمیت ترس‌افکنانه به‌دست پلیس شبه‌نظامی در محله‌های فقیرنشین یا زندان‌های دسته‌جمعی ۲،۳ میلیون شهروندی را کنار نخواهد گذاشت. مانع کار مأمورین آی.سی.ای^۱ از تعقیب مهاجرین غیرقانونی و قاپیدن کودکان از آغوش آنها و زندانی کردن‌شان در قفس‌ها نخواهد شد. جلو استخراج سوخت‌های فسیلی و بوم‌کشی قریب‌الوقوع را نخواهد گرفت. رسانه‌هایی آزاد از قیمومت شرکتی برای تبدیل اخبار به مضحکه‌هایی به قصد سودرسانی در اختیار ما نخواهد گذاشت. به جنگ‌های بی‌پایان و بی‌ثمر خاتمه نخواهد داد. نفرت بین قبایل متخاصم کشور را بهبود نخواهد بخشید؛ چه بسا ممکن است آتش نفرت‌ورزی را شعله‌ورتر هم بکند.

این استیضاح ماهیتاً چیزی مثل لوازم آرایشی است. چیزی‌ست مثل تعویض وجهی عمومی امپراتوری با یک صاحب‌منصب سیاسی دیگر مثل جو بایدن؛ کسی که خودش در فساد و خوش‌خدمتی چاپلوسانه به ثروتمندان و شرکت‌های قدرتمند غوطه‌ور است و همان سیاست‌های انتحاری را این بار با ادب و نزاکت شایسته و کَرّ و فَرّ به اجرا خواهد گذاشت. سردمداران حاکم از بی‌نزاکتی، بلاهت، و بی‌لیاقتی بهت‌آور ترامپ ذلّه شده‌اند. آنها نه به خاطر یک خلاف غیر قابل بخشش و قابل پیگرد قانونی علیه او

^۱ ICE (Immigration and Customs Enforcement) آژانسی در دپارتمان "امنیت سرزمین آبا و اجدادی". این آژانس در سال ۲۰۰۳ به عنوان بخشی از بازسازمان‌دهی دولت پس از یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ به وجود آمد. م.

شوریده‌اند؛ خلاف‌های متعدد قابل تعقیب از او سر زده است، مثل استفاده از ریاست‌جمهوری برای ثروت‌اندوزی شخصی، خشونت‌انگیزی و دامن زدن به نژادپرستی، قرار دادن اطلاعات طبقه‌بنده شده در اختیار مقامات خارجی، ممانعت از برقراری عدالت، و ناتوانی بیمارگونه در گفتن حقیقت. آنها بلکه به این دلیل به او تاخته‌اند که با تلاش برای به زیر کشیدن یکی از اعضای جرگه‌ی آنها از حاکمیت، دست به اشتباهی مهلک زده است.

بله، ترامپ رئیس‌جمهور اوکراین، ولودیمیر زلنسکی را تحت فشار قرار داده تا کثافت‌کاری بایدن و پسرش، هانتر بایدن، را در اختیار او بگذارد؛ و احتمالاً چیزهایی هم هست. بله، به نظر می‌رسد رئیس‌جمهور آمریکا از واگذاری حدود ۴۰۰ میلیون دلار کمک نظامی به اوکراین امتناع ورزیده تا از آن به عنوان وسیله‌ی اعمال فشار علیه آن دولت استفاده کند. او تلاش کرده مانع درج گزارش افشاگری شود که عمل او را به تفصیل بیان کرده. بله، این کار نقض قوانین است؛ چیزی که به زعم بسیاری از دموکرات‌های کنگره خطایی است قابل پیگرد قانونی.

اما این شکل از اقدامات تلافی‌جویانه‌ی کثیف یکی از ارکان عالم سیاست و روابط بین‌المللی است. کریستوفر استیل، از مقامات اسبق اطلاعاتی بریتانیا را یک شرکت تحقیقاتی و اطلاعاتی به اسم فیوژن جی.پی.اس.^۱ به استخدام خود در آورده تا کثافت‌کاری ترامپ در ارتباط با روسیه را برملا کند؛ شرکت مذکور با یک شرکت حقوقی تحت عنوان پرکینز کوئی^۲ قرارداد داشت تا برای کارزار انتخاباتی هیلاری کلینتون و کمیته‌ی ملی دموکرات‌ها، عملکرد ترامپ را مورد تحقیق و بررسی قرار دهد. به نقل از گری سیک، مشاور ارشد جیمی کارتر در خصوص ایران، چهار دهه قبل، مدیر انتخاباتی رونالد ریگان، ویلیام کیسی، از ایرانی‌ها خواست گروگان‌های آمریکایی اسیر

^۱ Fusion GPS

^۲ Perkins Coie

در تهران را آزاد نکنند تا بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری نوامبر با آزادسازی آنها به رئیس‌جمهور وقت، جیمی کارتر، آسیب لازم وارد شود؛ گروگان‌های آمریکایی در ژانویه ۱۹۸۱، روز آغاز به کار رسمی ریگان، آزاد شدند.

هیلاری کلینتون، تا جایی که می‌دانیم، هیچ وقت با استیل پشت تلفن حرف نزد. ریگان، تا آن جا که می‌دانیم، هرگز با رئیس‌جمهور ایران پشت تلفن حرف نزد. اشتباه مهلک ترامپ این بوده که خواسته‌اش را بطور علنی مطرح کرده و خودش هم این کار را کرده! لازمه‌ی این قبیل فشارهای مخفیانه برای آسیب رساندن به رقبای سیاسی، گوش فرا دادن به توصیه‌های ماهرانه و تشکیل جلسات پنهانی، و بکارگیری فشاری است که محتاطانه تنظیم شده باشد و قابلیت انکارپذیری کامل داشته باشد. ترامپ بی‌عرضه‌تر از آن است که دست به این بازی‌ها بزند. به همین دلیل به نظر می‌رسد قرار است به باشگاه انحصاری رئیس‌جمهورانی بپیوندند که استیضاح شده‌اند: اندرو جانسون و بیل کلینتون. هرچند، ترامپ بی‌سروصدا به این کناره‌گیری تن نخواهد داد. تلاش خواهد کرد کل عمارت پوسیده را به همراه خود سرنگون کند.

در یک نظرخواهی جمع‌آوری اعانه برای ترامپ که این هفته بلافاصله بعد از اعلام درخواست استیضاح ترامپ ظاهر شد نوشته شده است: «دوست من، دموکرات‌ها از ساکت کردن و ترساندن حامیان او، حامیانی **مثل تو**، لذت می‌برند. می‌خواهند **رای تو** را به دست آورند. رئیس‌جمهورمان، ترامپ، می‌خواهد بداند که در حیاتی‌ترین لحظات چه کسی پا به پای او خواهد ایستاد!»

اما در مقایسه با آنچه که به گمانم در راه است، جمع‌آوری اعانه از جریان قریب‌الوقوع استیضاح کم‌خطرتر است. با افزایش فشار، لفاظی‌های ترامپ حتی فتنه‌انگیزانه‌تر از قبل خواهد شد. همان طور که در گذشته دست به این کار زده، علناً

مردم را علیه رهبری دموکرات‌ها و مطبوعاتی که انگ «دشمن مردم»^۱ به آنها می‌زند، به خشونت ترغیب خواهد کرد.

ما به هیچ وجه با کمبود آمریکایی‌های طبقه‌ی کارگر که به حق احساس می‌کنند سردمداران حاکم شدیداً به آنها پشت پا زده و فریب‌شان داده‌اند مواجه نیستیم؛ توانایی آنها برای کسب درآمد پایدار زائل شده، بین جوامع رو به انحطاط و بدون آینده به دام افتاده‌اند، برای خود و فرزندان‌شان هیچ آینده‌ای متصور نیستند، و نگاه‌شان به سردمداران حاکم که آنها را فروخته‌اند نفرت‌آلود است.

ترامپ، اگرچه نالایق است، دست کم این خشم را به زبان می‌آورد. و این کار را با شناعتی انجام می‌دهد که موجب خرسندی نیروهای پایگاهش می‌شود. شک دارم چشم حامیان او نسبت به خودشیفتگی او یا حتی فساد و بی‌لیاقتی او بسته باشد. اما او نقش همان انگشت بیلاخ را دارد که آنها به همه‌ی سیاستمدارانی همچون کلیتون‌ها نشان می‌دهند؛ کسانی که دروغ‌های‌شان به مراتب بیشتر از ترامپ به آنها آسیب رسانده. ترامپ مجهز به وقاحت، توانسته به جای نشان دادن انگشت مذکور، آن را به تن سیاستمداران فرو کند! نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ نشان داد که عامل محرک ۵۳٪ از حامیان ترامپ نفرت آنها از هیلاری کلیتون بوده و فقط ۴۴٪ از آنها گفته‌اند که بخاطر حمایت از ترامپ پای صندوق‌های رأی رفته‌اند.

مَت تاییی در «رئیس جمهور دلچک و دیوانه: گزارش‌هایی از سیرک ۲۰۱۶» نوشته است «مردم دیگر به نامزدهایی رأی ندادند که به آنها تعلق خاطر داشته یا توسط آنها تهییج شده بودند. بلکه علیه کاندیدهایی رأی دادند که از آنها نفرت داشتند. در اعتراضات و راهپیمایی‌ها، احساسات قالب خشم و انزجار بود. فقدان ایده‌آلیسم، و علی‌الخصوص فقدان هر گونه احساس اُخوْت یا هدف مشترک با جناح دیگر (یعنی،

^۱ احتمالاً نویسنده خواسته اشاره‌ای ضمنی به نمایشنامه‌ی معروف هنریک ایبسن با همین نام بکند. م.

لیبرال‌ها و محافظه‌کاران ناتوان از تصور آینده‌ای ثمربخش با یکدیگر، یا حتی خود را شهروندان یک کشور واحد قلمداد کردن)، چشمگیر بود.»

حامیان ترامپ استیضاح او را تلاشی برای حذف این شکل از تمرّد بنیانی، اگر چه بی‌اثر، تلقی خواهند کرد. چه بسا پیام دیگری برای سلب‌رأی‌شدگان، خصوصاً سفیدپوستان طبقه‌ی کارگر بدین مضمون باشد که زندگی، دغدغه، آمال، و صداهاشان هیچ اهمیتی ندارد. این بخش عظیم از جمعیت، همان گونه که ترامپ بدان آگاه است، به شدت مسلح‌اند. بیش از ۳۰۰ میلیون سلاح گرم در دست شهروندان آمریکایی‌ست، از قبیل ۱۱۴ میلیون اسلحه‌ی کمری، ۱۱۰ میلیون تفنگ و ۸۶ میلیون تفنگ شکاری. تعداد سلاح‌های تهاجمی‌ای که به سبک نظامی ساخته شده و به مالکیت شخصی در آمده - از جمله تفنگ‌های نیمه-اتوماتیک AR-۱۵ که در کشتارهای دبیرستان مارجری استونمن داگلاس واقع در پارکلند فیلادلفیا، و دبستان سندی هوک در نیوتاون کانکتیکات بکار گرفته شد، تخمیناً ۱,۵ میلیون قبضه است. ایالات متحده دارای بیشترین میزان مالکیت سلاح در جهان است: به‌طور متوسط به‌ازای هر صد نفر ۹۰ سلاح گرم. تیراندازی‌های گروهی در ایالات متحده به‌طور متوسط روزی یک بار یا بیشتر رخ می‌دهد.

رکود اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی، توأم با این باور که انتظارات ما برای زندگی‌مان و زندگی فرزندان‌مان نقش بر آب شده، خشونت به بار می‌آورد. ترامپ، در مبارزه برای حیات سیاسی خود، از لفاظی‌های خالی از معنا به عنوان هیزم برای شعله‌ور ساختن آن استفاده خواهد کرد. از مخالفین خود به عنوان مظهر شیطان، اهریمن‌سازی خواهد کرد. به دنبال عمیق‌تر کردن شکاف‌ها و ضدیت‌ها، خصوصاً پیرامون نژاد و نژادپرستی خواهد بود. به مخالفین سیاسی خود انگ دشمنان اصلاح‌ناپذیر و خائنین را خواهد زد. خواهان قدرت مطلق یک دیکتاتور خواهد شد. بسیاری از کسانی که او برای‌شان رهبری یک فرقه را به عهده دارد خواهان اهدای این قدرت به او خواهند بود. چون، آنگاه که هاله‌ی جادویی قدرت ترامپ مورد حمله قرار بگیرد، اعضای فرقه‌ی ترامپ احساس می‌کنند

که مورد حمله قرار گرفته‌اند. او دنباله‌ی آنهاست. ترامپ به آرزوی میلیون‌ها آمریکایی به یک رهبر فرقه، خصوصاً آنها که در جناح راست مسیحی قرار دارند، تجسم می‌بخشد. تلاش‌های حزب دموکرات و بخش عمده‌ی رسانه‌ها، از جمله CNN و نیویورک تایمز، برای عزل ترامپ از قدرت، تو گویی او تجسم مشکلات ماست، نتیجه‌ی عکس خواهد داد. بحران‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ما به پیدایش عوام‌فریبی همچون ترامپ منجر شد. اگر ترامپ استیضاح شود، این نیروها خطرناک‌تر خواهند شد. هر چه بیشتر ناتوان از مواجهه و نامیدن نیروهای شرکتی به عنوان مسئولین فلاکت بیش از نیمی از جمعیت ایالات متحده و دموکراسی فروپاشیده‌مان باشیم، بیماری فرقه‌گرایی بیشتر از پیش گسترش خواهد یافت. این تسخیر قدرت توسط آب‌شرکت‌ها بود که ترامپ را استفراغ کرد. و فقط با رهاسازی خودمان از حاکمیت شرکت‌ها، بازسازی نهادهای دموکراتیک‌مان، از جمله مراجع قانونگذاری، دادگاه‌ها، و رسانه‌هاست که می‌توانیم از پرتگاه مرگ پا پس بکشیم.

اگر در براندازی قدرت شرکت‌ها موفق نشویم، ادامه‌ی ارسال لوازم انفجاری برای منتقدین ترامپ و رهبران حزب دموکرات، از جمله باراک اوباما، هیلاری کلینتون و جو بایدن، بعلاوه‌ی جورج سوروس، جیمز کلپر و CNN، به شکل قابل قبولی از گفتمان سیاسی تبدیل خواهد شد؛ گفته می‌شود سیزر سایوکِ جونیر، بدن‌ساز و رفاص مرد (محافل زنانه) و حامی متعصب ترامپ که با وِن (پیتزافروشی) خود زندگی می‌گذراند این محموله‌ها را فرستاده بود. چنین اقدامات تروریستی، اگر جلو آن گرفته نشود، سرآخر به بار خواهد نشست. بی‌قانونیِ آنارشیستی و اشکال تلافی‌جویانه‌ی قتل سیاسی به سرعت ایالات متحده را به یک کشور ورشکسته و رعب‌آور تبدیل خواهد کرد.

پیوند با متن اصلی:

[The Problem With Impeachment](#)